



Comparison of the Concept of Perfection in the Definition of Beauty from the Perspective of Avicenna and Aquinas



ARTICLE INFO

Article Type

Original Research

Authors

Ainechi R.

Department of Art Research, Faculty of Arts, Ferdows Institute of Higher Education, Mashhad, Iran

Khandaqi J.A.*

Department of Dramatic Literature, Faculty of Arts, Ferdows Institute of Higher Education, Mashhad, Iran

How to cite this article

Ainechi R. Khandaqi J. A. Comparison of the Concept of Perfection in the Definition of Beauty from the Perspective of Avicenna and Aquinas. *Philosophical Thought*. 2023;3(1): 33-45.

*Correspondence

Address: Ferdows Institute of Higher Education, Kolahdooz Street, Mashhad, Iran. Postal Code: 9184915378
Phone: +98 (51) 37291114
Fax: +98 (51) 37291115
j.amin@ferdowsmashhad.ac.ir

Article History

Received: October 17, 2022
Accepted: March 7, 2023
ePublished: March 10, 2023

ABSTRACT

Defining beauty is one of the most critical issues in philosophical aesthetics. Walking philosophers have brought or referred to the concept of "perfection" as one of the main elements of the definition of beauty. After explaining the views of Avicenna and Aquinas in this field, this research deals with the question of what is the place of the concept of perfection in the definition of the beauty of both of them. This research is descriptive-analytical. In the collection, it uses the library method, and in the analysis, it uses the qualitative method. The results of this research show that beauty is essential in the view of both philosophers about tangibles and abstractions. From Avicenna's perspective, the perfection of the senses should have three aesthetic elements: good order, good composition (composition), and good moderation. Aquinas also uses the concepts of pleasure, proportion, and clarity in his definitions. These elements in the definitions of beauty can be evaluated in some way in connection with the idea of the second perfection.

Keywords Beauty; Perfection; Pleasure; Avicenna; Aquinas

CITATION LINKS

[Abbasi Hosseinabadi H; 2016] Investigation of what perfection is in the definition of self in Ibn Sina's thought [Abbasi Hosseinabadi H; 2019] Comparative study of concept of first and second perfection in Aristotle and Avicenna [Amin Khandaqi J; 2019] A comparison of beauty definition in Farabi and Aquinas's views; with emphasis on perfection concept [Amini M; 2016] Aesthetic pleasure and its distinction with corporal pleasure from Thomas Aquinas's view [Anwar E; 2003] Ibn Sina's philosophical theology of love: A study of the Risālah fī al-'Ishq [Aquinas T; 1905] Of God and his creatures [Aquinas T; 1956] On the truth of the catholic faith [Aquinas T; 1997] Summa Contra Gentiles. Best Writings of Thomas Aquinas [Aquinas T; 2003] On Evil [Aquinas T; 2006] Summa Theologiae [Avicenna; 1966] KITAB AL-SHIFA (Poetry) [Avicenna; 1979] A Treatise on Love [Avicenna; 1983] AL-TALIQAT [Avicenna; 1984] ALMABDA-VA-ALMAAD [Avicenna; 1986] Miraj Nameh [Avicenna; 2007] AHWAL AL-NAFS [Bahrami M; 2019] The perfection in the aesthetics of Avicenna and critique of common approaches for this [Bahrami M; 2020] AHWAL AL-NAFS [Bahrami M; 2020b] The concept of beauty according to the Avicenna's thoughts based on the Studies of pleasure [Coomaraswamy AK; 1938] Mediaeval aesthetic. II. st. Thomas Aquinas on dionysius, and a note on the relation of beauty to truth [De Haan DD; 2020] Beauty and aesthetic perception in Thomas Aquinas. Beauty and the Good: Recovering the Classical Tradition from Plato to Duns Scotus [Eco U; 1988] The Aesthetics of Thomas Aquinas [Eidi F; 2019] Comparative study of aspects of beauty semantics and ontology from Avicenna and Mollasadra viewpoint [Hashem Nezhad H; 2018] Aesthetics in the Works of Avicenna, Suhrawardi and Mulla Sadra [Jafarian M; 2022] Avicenna on the principles of aesthetics [Kovach FJ; 1971] The empirical foundations of Thomas Aquinas' philosophy of beauty [Maurer AA; 1983] About beauty: A thomistic interpretation [Melbooyi F; 2012] Love and Beauty from the Point of View of Ibn Sina and Suhrawardi [O'Rourke F & Gillespie MP; 2022] Beauty: Joyce's Thomist aesthetics [Perl ED; 2020] All men by nature desire to know: The classical background of Aquinas on beauty and truth. Beauty and the Good: Recovering the Classical Tradition from Plato to Duns Scotus [Putnam CC; 2018] The mode of existence of Beauty: A Thomistic or a Kantian interpretation? [Rabiei H; 2011] Ibn Sina's Philosophy of Art [Saadat Mostafavi H; 2012] SHARH-E AL-ESHARAT VA AL-TANBIHAT: Third Namat [Sammon BT; 2013] The God who is beauty: Beauty as a divine name in Thomas Aquinas and Dionysius the Areopagite [Shajari M, Fathi H, Gozali Z; 2019] Beauty and its relation to goodness in Thomas Aquinas's philosophical system [Soltani Sh; 2013] Beauty and Imaginary Perception from Ibn Sina's Point of View [Stump E; 2005] Aquinas [Tabatabai MH; 2009] NIHĀYAT AL-HIKMAH [Tatarkiewicz W; 1980] A history of six ideas: An essay in aesthetics [Tatarkiewicz W; 2005] History of Aesthetics [Wisnovsky R; 2018] Aquinas

مقایسه مفهوم کمال در تعریف زیبایی از منظر ابن‌سینا و آکویناس

ریحانه آینه‌چی

گروه پژوهش هنر، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران

جواد امین خندقی*

گروه ادبیات نمایشی، دانشکده هنر، موسسه آموزش عالی فردوس، مشهد، ایران

چکیده

تعریف زیبایی یکی از مهم‌ترین مسایل در زیباشناسی فلسفی است. فیلسوفان مشائی در تعریف زیبایی، مفهوم «کمال» را به‌عنوان یکی از عناصر اصلی تعریف آورده‌اند یا به آن اشاره دارند. این پژوهش، پس از تبیین دیدگاه ابن‌سینا و آکویناس در این زمینه، به این پرسش می‌پردازد که جایگاه مفهوم کمال در تعریف زیبایی آن دو چیست؟ این پژوهش توصیفی-تحلیلی است. در گردآوری، از روش کتابخانه‌ای و در تحلیل، از روش کیفی بهره می‌برد. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که زیبایی در دیدگاه هر دو فیلسوف در ارتباط با محسوسات و مجردات مطرح است. در دیدگاه ابن‌سینا، کمال محسوسات باید سه عنصر زیباشناسی حُسن، نظم، حُسن تالیف (ترکیب) و حُسن اعتدال را در خود داشته باشند. آکویناس نیز از مفاهیم لذت، تناسب و وضوح در تعاریف خود استفاده می‌کند. می‌توان این عناصر در تعاریف زیبایی را به نوعی در ارتباط با مفهوم کمال ثانی ارزیابی کرد.

کلیدواژه‌گان: زیبایی، کمال، لذت، ابن‌سینا، آکویناس

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۷/۲۵

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱۲/۱۹

*نویسنده مسئول: j.amin@ferdowsmashhad.ac.ir

آدرس مکاتبه: مشهد، خیابان کلاهدوز، موسسه آموزش عالی فردوس، گروه ادبیات نمایشی

تلفن محل کار: ۰۵۱۳۷۲۹۱۱۱۴؛ فکس: ۰۵۱۳۷۲۹۱۱۱۵

مقدمه

تعریف زیبایی یکی از مهم‌ترین مسایل در زیباشناسی فلسفی است. از ابتدای تاریخ فلسفه، فیلسوفان تعریف‌های مختلفی برای آن بیان کرده‌اند. از آنجایی که در دیدگاه فیلسوفان مشائی و قرون وسطا، مفهوم «کمال» یکی از عناصر اصلی برای تعریف زیبایی به شمار می‌رود [Tatarkiewicz, 1980: 136]، این پرسش وجود دارد که این وضعیت درباره تمام فیلسوفان مشائی نیز صادق است؟ در بستر فلسفه اسلامی، ابن‌سینا (۹۸۰-۱۰۳۷م) زیبایی را امری عینی تعریف کرده است. او رساله جداگانه‌ای برای تعریف زیبایی ندارد، اما در نظرات پراکنده‌ای که درباره زیبایی مطرح کرده است، آن را در بستر عینی دنبال کرده و باور دارد که زیبایی امری خارج از ذهن است [Rabiei, 2011]. ابن‌سینا هیچ اشاره مستقیمی به کمال در تعریف زیبایی نکرده است، اما با توضیحاتی که در این زمینه مطرح کرده است، ما را به این مفهوم نزدیک می‌کند. همچنین در بستر فلسفه قرون وسطا، توماس آکویناس (Thomas Aquinas) (۱۲۲۵-۱۲۷۴م) که در برخی مسایل وام‌دار ابن‌سینا است، با افزودن مفهوم کمال، جایگاه بسزایی به این بحث می‌دهد؛ به‌گونه‌ای که برخی همین امر را ویژگی منحصربه‌فرد زیباشناسی او نیز به شمار آورده‌اند [Tatarkiewicz, 2005: 253]. آکویناس نیز رساله خاصی در باب زیبایی نوشته است و مانند ابن‌سینا، باید دیدگاهش را از خلال مباحث دیگرش یافت. بر این اساس، در این پژوهش، پس از تبیین دیدگاه دو فیلسوف، این امر بررسی می‌شود که جایگاه مفهوم کمال در تعریف زیبایی آن دو چیست؟

در بررسی پیشینه پژوهش، پژوهشی که دیدگاه ابن‌سینا و آکویناس را در زمینه مفهوم کمال در تعریف زیبایی مقایسه کرده باشد، یافت نشد. البته پژوهش‌هایی در زمینه بررسی تعاریف زیبایی و کمال در دیدگاه این دو فیلسوف وجود دارد که در ادامه اشاره می‌شود.

انوار [Anwar, 2003]، ملیوئی [Melbooyi, 2012]، سلطانی [Soltani, 2013]، عیدی [Eidi, 2019]، بهرامی [Bahrami, 2020b] و جعفریان [Jafarian, 2022] در پژوهش‌های متفاوتی، به تعریف زیبایی در دیدگاه ابن‌سینا اشاره کرده‌اند، اما بحث آنها مستقیم به کمال در تعریف زیبایی مربوط نیست. همچنین بهرامی [Bahrami, 2019; Bahrami, 2020a] و عباسی حسین‌آبادی [Abbasi Hosseinabadi, 2016; Abbasi Hosseinabadi, 2019] در پژوهش‌های جداگانه، به مفهوم کمال در دیدگاه ابن‌سینا پرداخته‌اند. در این میان، اشاره‌ای نیز به نسبت آن با زیبایی وجود دارد. در زمینه دیدگاه آکویناس، امین خندقی [Amin Khandaqi, 2019] به‌طور مستقیم به جایگاه مفهوم کمال در تعریف زیبایی در مقایسه با فارابی می‌پردازد، اما به ابن‌سینا نمی‌پردازد. همچنین کوماراسوامی [Coomaraswamy, 1938]، کوچ [Kovach, 1971]، سمن [Sammon, 2013]، امینی [Amini, 2016]، پوتنم [Putnam, 2018]، شجاعی و همکاران [Shajari et al., 2019]، پرل [Perl, 2020]، دهان [De Haan, 2020] و اُزک و گیلسپیه [O'Rourke & Gillespie, 2022] نیز به تعریف زیبایی در دیدگاه آکویناس پرداخته‌اند. همان‌طور که بیان شد، در هیچ یک از این پژوهش‌ها، مقایسه مفهوم کمال در تعریف زیبایی از دیدگاه ابن‌سینا و آکویناس انجام نشده است و پرداختن به کمال در تعریف زیبایی مطرح نیست.

تعریف زیبایی از منظر ابن‌سینا

با بررسی آثار ابن‌سینا، می‌توان تعاریف زیبایی را از دید او به دو بخش زیبایی محسوس و غیر محسوس (مجردات) تقسیم کرد، البته ابن‌سینا این تعاریف را ذیل مفاهیم عام و خاص هم مطرح می‌کند. ابن‌سینا در یکی از رساله‌های خود به نام «رساله عشق» [Avicenna, 1979]، بحثی در خصوص زیبایی و لذت بردن انسان از آن را بیان می‌کند که می‌توان آن را به تفکر او درباره زیبایی محسوس نسبت داد. بر طبق بحث مطرح شده و با توجه به اشاراتی که در عبارت‌هایی این کتاب آورده شده، می‌توان گفت که او مفهومی گسترده‌تر از زیبایی را جایگزین کرده است. از منظر او، زیبایی از سه عنصر حُسن، نظم، حُسن تالیف (ترکیب) و حُسن اعتدال تشکیل شده است که تمجید مخاطب در تفکیک آنها از هر پدیده برابر با شرح و توصیف پدیده به زیبایی است. ابن‌سینا در یکی از آن عبارات که به‌طور مستقیم به این سه عنصر اشاره شده می‌نویسد [Avicenna, 1979: 386]:

«نفس ناطقه و همچنین نفس حیوانی به‌دلیل همجواری با نفس ناطقه، عاشق هر چیزی می‌شوند که از حسن نظم و تألیف و اعتدال بهره‌مند باشد؛ همچون آهنگ‌ها و آوازهایی که از حیث وزن موزون و متناسب هستند».

ابن‌سینا مولفه‌های بالا را با نظر به امور هستی و با توجه به حاکمیت عقل آدمی در درک و شناخت هستی استخراج کرده است. به نظر می‌رسد ابن‌سینا بر این باور است که این سه عنصر به امری واحد بازگشت می‌کنند که همان سازگار بودن اثر زیبا با عواطف و تفکر آدمی است. می‌توان این‌گونه بیان کرد که قوه ناطقه در انسان، دارنده این ویژگی‌ها است که با ملاحظه نظم در ترکیبات و تأیید اعتدال در این نظم مؤلف، آن را از لحاظ سازگار بودن با مسیر سعادت خود تأیید کند [Hashem Nezhad, 2018: 52-53].

از منظر ابن‌سینا، گذر از سرحد زیبایی محسوس به عالم زیبایی غیرمحسوس، از تباین دو ساحت جسم و روح آدمی برمی‌خیزد. او در خصوص ارتباط قوای جسمانی و روحانی می‌نویسد [Avicenna, 1986: 81]:

«بدان که حق تعالی آدمی را از دو وجه مختلف بیافرید که یکی را تن گویند و یکی را جان و هر یک را عالمی دیگر آورد؛ چنان که تن را از اجتماع اختلاط و ترکیب ارکان فراهم آورد و جان را از تأثیر عقل فعال بدو پیوند داد».

او ایراد اساسی حس در جایگاه یک قوه معرفتی را این‌گونه بیان کرده است [Avicenna, 1966: 63]:
«حس صرف معنا را ادراک نمی‌کند و پس از زوال محسوس، آن را تثبیت نمی‌کند. در نتیجه، حس زید را به‌عنوان یک انسان ادراک نمی‌کند، بلکه او را به عنوان انسانی که دارای احوال متعدد، از قبیل کم و کیف و مکان و وضع خاص است، می‌یابد».

پس ادراکات محسوس در مفهوم عام و احساس زیبایی در مفهوم خاص، همگی در محدوده محسوسات محسوسند و ادراکات ملائم آنها نیز در همین میزان خواهند ماند. از طرفی، ابن‌سینا در شرح لذت حسی هم آن را ملائم معرفی کرده است؛ در صورتی که ادراک ملائم با نفس ناطقه، تعقل خیر محض است. به همین خاطر، ادراک این کمال از سمت نفس ناطقه انجام می‌شود و نفس از طریق همین ادراک به لذت دست پیدا می‌کند [Avicenna, 1966: 34-35]. ابن‌سینا در رساله العشق، به ملاحظت صور و مناظر زیبا اشاره کرده است و شان عقل را تایید میل انسان به این صورت‌ها و نوعی عشق‌ورزی به صور زیبا دانسته است [Avicenna, 1979: 382-383]. با توجه به بحث‌های مطرح‌شده، می‌توان گفت که این تایید و تمجید به دلیل مشاهده حسن نظم و تألیف و اعتدال مندرج در صور زیبا ایجاد می‌گردد و نمود آن در حالت عاطفی که به‌الطبع از عقل می‌آید، انعکاس پیدا می‌کند.

به نظر ابن‌سینا، وجود مجردات، بها و جمال آنها است، زیرا آنها موجودات بسیطی هستند و صرف وجودشان کمالشان است؛ پس زیبایی آنها در ذاتشان است. در واقع، واضح‌ترین عبارت ابن‌سینا در خصوص زیبایی، این است [Avicenna, 1984: 17]:

«زیبایی و شکوه هر چیز، آن است که بدان‌گونه باشد که برایش ضروری است».

برخی از محققان، از این عبارت، با تأکید بر کمال ثانی، ادعا می‌کنند که این عبارت اشاره به کل زیباشناسی ابن‌سینا دارد و به غیر از زیبایی معقول، زیبایی محسوس را هم دربردارد و برخی ظاهر سخن ابن‌سینا را بیان‌کننده زیبایی پروردگار و به‌طور کلی مجردات می‌دانند [Hashem Nezhad, 2018: 47-51].

به نظر ابن‌سینا، جمال و بها هر چیز، تحقق آن چیز بدان شکل است که برای آن ضروری باشد. می‌توان گفت آن چیزی که برای شی واجب و ضروری است، ناگزیر برای او ذاتی است. وقتی چیزی برای موجودی ضروری و واجب است، یعنی اگر آن از بین برود، آن موجود هم از بین خواهد رفت [Tabatabai, 2009: 71-78]. زیبایی در محسوسات در ضدیت موجودات محسوس است. ابن‌سینا زیبایی بعضی از موجودات را حسن نظم، اعتدال و تألیف می‌داند که این امر بیان‌کننده زیبایی در ضدیت است، نه ذاتیات. از آنجایی که ابن‌سینا در جایی زیبایی را اعراض و در جایی دیگر، آن را از ضروریات و ذاتیات یک موجود می‌داند، خود نوعی تناقض در سخنان او ایجاد می‌کند. چیزی که سبب تناقض شده است، فضای کلی سخنان و اصل موضوع عبارت مورد نظر است، یعنی خداوند و زیبایی خداوند است که یک زیبایی نامحسوس و مجرد است. ابن‌سینا درباره موجودی سخن می‌گوید که مجرد هست و وجود آن واجب است. از سویی، چون مجردات از هر قوه‌ای عاری و موجودات کاملی هستند پس وجودشان مقارن کمالشان است [Tabatabai, 2009: 192-193].

مفهوم کمال در تعریف زیبایی ابن‌سینا

در خصوص مفهوم کمال در آثار ابن‌سینا، می‌توان بیان کرد که واژه «کمال» به‌طور مستقیم در هیچ یک از عباراتی که درباره جمال و زیبایی مطرح شده، نیامده است. این پرسش پیش می‌آید که پژوهشگران این مفهوم را با استناد به کدام عبارت یا مفهومی وارد زیباشناسی ابن‌سینا کرده‌اند؟ قبل از هر چیز، می‌بایست مفهوم کمال را در دیدگاه ابن‌سینا بررسی کرد، بعضی از پژوهشگران سه مفهوم کلی را برای کمال اول و کمال ثانی در آرای ابن‌سینا ارایه کرده‌اند [Wisnovsky, 2018: 230]، اما به‌طور کلی، در دیدگاه ابن‌سینا، هشت مفهوم برای کمال بیان شده است:

کمال بر مبنای علت و معلول

در اولین مفهوم، کمال اول همان «مبدأ افعال و آثار» است و فعل و ثمره اثر همان کمال ثانی است. کمال اول و کمال ثانی فعلیت هستند ولی تفاوتشان در این است که کمال اول مبدأ و علت آن است و از مبدأیی منشأ نمی‌گیرد؛ و کمال ثانی معلول آن است [Avicenna, 2007: 153].

کمال بر حسب جسمانی یا غیرجسمانی

در دومین مفهوم، کمالاتی برای اجسام و کمالاتی برای جواهر غیر جسمانی است و نفس نخستین کمال برای جسم است [Avicenna, 2007: 153]. در این مفهوم، علت کمال ثانی، همان کمال نخستین است. در مفهوم یک و دو، ابن‌سینا در خصوص نفس آنها را بیان نکرده است، بلکه درباره فلسفه طبیعی بیان شده است.

کمال بر اساس صورت در برابر افعال حاصل از آن

در سومین مفهوم، کمال اول، همان صورت است و کمال ثانی، به صورت نگهدارنده عناصر چهارگانه است. تفاوتشان بر پایه صورت در برابر افعال برگرفته از آن است. می‌توان گفت از یک سو، کمال همان جسم است و نفس به عنوان صورت، فاعل، غایت و علت جسم است و از سوی دیگر، وقتی ما در خصوص کمال در رابطه با معلول آن صحبت می‌کنیم، در اصل درباره تقدم علت غایی صحبت می‌کنیم [Abbasi Hosseinabadi, 2019: 151].

کمال بر حسب نیاز به وجود و بقا

در چهارمین مفهوم، کمال اول چیزی است که هر موجودی در درون و بقای خود به آن نیاز دارد و کمال ثانی آن چیزهایی است که در درون و بقا به آن نیازی نباشد. می‌توان گفت میان آنچه برای وجود واجب و ضروری است و آنچه برای خیر بودن ضروری است، تفاوت وجود دارد [Avicenna, 1983: 21].

کمال بر اساس ذاتی بودن

در پنجمین مفهوم، آن چیزی که ذاتی شی است، کمال اول و کمال ثانی، آن چیزی هست که ذاتی شی نباشد. با این تفاسیر، کمال اول همان کمالاتی است که در صورت باطل شدن ماهیت جسم نیز از بین می‌رود؛ در صورتی که در کمال ثانی، نه تنها از بین رفتن آن باعث از بین رفتن ماهیت شی نمی‌شود، بلکه با رفع شدن آن کمالات حالت آن تصحیح می‌شود [Abbasi Hosseinabadi, 2019: 152].

کمال به معنای صورت در برابر کارکرد

در ششمین مفهوم، کمال اول چیزی است که نوع را پدید می‌آورد و وجود ذات بر وجود آن منوط است. با توجه به این تعریف، کمال اول چیزی است که به واسطه آن یک نوع فعلیت می‌یابد و در ذات خود تکمیل می‌شود و

مخالف آن، کمال ثانی بر وجود ذات متوقف است. می‌توان این‌گونه بیان کرد که کمال ثانی نوع فعلی را انجام می‌دهد که در نهایت، آن نوع محسوس می‌شود [Saadat Mostafavi, 2012: 43].

کمال بر اساس صورت و کیفیت

در هفتمین مفهوم، کمال اول همان صورت شی است و کمال ثانی کیفیت آن است [Avicenna, 1983: 33].

کمال بر اساس حرکت

در هشتمین مفهوم، کمال اول، شروع حرکت شی برای رسیدن به مقصد است و رسیدن به آن، کمال ثانی است. مشخص است که کمال ثانی در این توضیح، همان توقف بر کمال اول است [Bahrami, 2019: 224].

در مباحثی که ابن‌سینا در خصوص زیبایی بیان کرده است، واژه «کمال»، وجود ندارد، اما می‌توان این‌گونه بیان کرد که آنچه ابن‌سینا با عنوان حسن نظم و تالیف و اعتدال در زمینه محسوسات سخن می‌گوید، نوعی کمال است یا موجب کمال می‌شود. همچنین در مفاهیم هشت‌گانه‌ای که در دیدگاه ابن‌سینا مطرح شد، می‌توان سه مفهوم را به واژه «کمال» درباره زیبایی نزدیک‌تر دانست [Bahrami, 2019: 224-225].

ابن‌سینا بیان می‌کند که انسان می‌تواند زیبا و یا نازیبا باشد؛ زیبا نبودن به این دلیل است که زشتی بر آن عارض شده است و یا اساساً زشت خلق شده است. به همین دلیل، در دیدگاه ابن‌سینا، زیبایی در کمال اول محسوسات وجود ندارد و هر آنچه باعث زیبایی محسوسات است، برآمده از عوارضی است که می‌بایست در آنها حسن نظم، تألیف و اعتدال باشد. از نظر ابن‌سینا، زیبایی محسوس را می‌توان یکی از گام‌های شروع عالم ماده برای تقرب به درجات بالای وجود دانست، ولی درجات متعالی زیبایی، در کمالات معنوی و تحت ادراکات عقلانی است [Bahrami, 2019: 226].

تعریف زیبایی از منظر آکویناس

توماس آکویناس سهم زیادی در شکل‌گیری زیباشناسی قرون وسطا داشته است، اما توجه به بحث زیباشناسی نداشته است. این فیلسوف فقط در میان بحث‌های دیگر خود به اقتضای مورد، در خصوص «زیبایی» بحث کرده است و حتی رساله و یا کتاب مشخصی در این خصوص ارائه نکرده است. استفاده آکویناس از شیوه مدرسی، نقطه قوت کار او است که با استفاده از آن، توانست به ویژگی‌هایی از زیبایی واقف گردد که از دید بسیاری از اندیشمندان دور مانده بود. توجه و تأمل آکویناس به بنیادی‌ترین مفاهیم زیباشناسی از وجه‌های متفاوت، منجر به بیان مستقیم و اشارات ضمنی در مقوله زیبایی شد [Tatarkiewicz, 2005: 376-377].

از میان نوشته‌های موجود، می‌توان گفت سه تعریف برای زیبایی، در دیدگاه آکویناس از همه شاخص‌تر هستند.

تعریف اول

«چیزی زیبا است که دیدن (*visa*) آن لذت (*placent*) را برمی‌انگیزد» [Aquinas, 2006].

در اندیشه آکویناس، با این‌که از لحاظ معنایی خوب (*bonum*) و زیبا با هم متفاوت هستند، اما چیزی که خوب است، زیبا هم به شمار می‌رود. در این تعریف، زیبایی متوجه محسوسات است، زیرا بیش از همه دیده می‌شوند و ایجاد لذت می‌کنند [Amin Khandaqi, 2019: 36].

تعریف دوم

«چیزی زیبا است که ادراک (*apprehensio*) آن باعث لذت می‌گردد»^{۱۱} [Aquinas, 2006].

این دو تعریف، از جهاتی با هم متفاوت هستند، زیرا در تعریف اول، زیبایی در ارتباط با محسوسات و به شکلی محدودتر تعریف می‌شود، اما در این تعریف، به شکل گسترده‌تر، در ارتباط با ادراک مطرح می‌شود. از آنجایی که در دیدگاه آکویناس، حس بینایی، از جمله کامل‌ترین حس‌ها به شمار می‌رود و اصطلاح «دیدن»، درباره فهم دیگر حواس هم به کار می‌رود^{۱۲} [Aquinas, 2006]، می‌توان دو تعریف را دو تعبیر از یک معنا دانست. البته در تعریف نخست، زیبایی یک امر عینی است و در این تعریف، زیبایی را امری ذهنی می‌داند. چیزی که از دیدن یا ادراک کردن حاصل می‌شود، همان لذت است که می‌توان گفت این لذت ملاک زیبابودن نیز است. البته هر چیزی که باعث لذت می‌شود، دلیل بر زیبابودن آن نیست؛ مهم لذت دیدن و ادراک آن است [Tatarkiewicz, 2005: 380].

تعریف سوم

می‌توان این‌گونه بیان کرد که با بررسی آثار آکویناس، می‌توان به ویژگی‌های عینی زیبایی رسید. آکویناس بر دو مورد تأکید بیشتری دارد؛ «تناسب» و «وضوح». او می‌گوید:

«زیبایی عبارت از نوعی وضوح و تناسب است»^{۱۳} [Aquinas, 2006].

مشابه این تعریف زیبایی به دو خصوصیت مذکور در بخش‌های دیگر هم اشاره شده است^{۱۴} [Aquinas, 2006]. همچنین آکویناس در بخش‌هایی فقط به تناسب^{۱۵} [Aquinas, 2006] یا فقط به وضوح^{۱۶} [Aquinas, 2006] اشاره می‌کند. در این نوع تعریف، آکویناس مطابق نظر گذشتگان اظهارنظر کرده است و در این مفهوم، نوآوری مشخصی ندارد [Tatarkiewicz, 2005: 384-385].

آکویناس هم مثل اغلب فیلسوفان مدرسی، گستره «تناسب» را وسیع‌تر از مفهوم کلاسیک یونان می‌داند. تناسب در دیدگاه فیثاغورثیان، به شکل کمی و ریاضی تعریف می‌شد. آکویناس مانند آگوستین (*Augustine of Hippo*) با در نظر گرفتن تناسب به عنوان نسبت یک جزء با جزء دیگر، مفاهیم را کلی‌تر و جامع‌تر بیان می‌کند^{۱۷} [Aquinas, 2006]. آکویناس برای «وضوح»، از تفسیری قدیمی با تعبیری جدید استفاده می‌کند. او گاهی واژه «وضوح» را در معنای لفظی و گاهی به‌طور تمثیلی و مجازی در آثارش استفاده می‌کند. به همین دلیل، برخی مواقع «رنگ درخشان» را به‌عنوان نمونه‌ای از وضوح بیان می‌کند و در برخی موارد دیگر، وضوح را همراه زیبایی با مضمون فضیلت می‌آورد. آکویناس تعبیر خاص صورت‌انگاران از وضوح، به‌واسطه شاگردی نزد آلبرت کبیر (*Albert the Great*)، داشت [Tatarkiewicz, 2005: 377]. بنا به همین تفکر، او وضوح را به مانند صورت تبیین می‌کند. زیبایی هم با ظاهر شی (به شکلی که ظاهر با ماهیت شی همخوان باشد) و هم با ماهیت آن (یعنی در حالی که ماهیت به ظاهر شی سرایت کند) محقق می‌شود. پس زیبایی هم به ذات یا همان ماهیت متعلق است و هم عرض یا ظاهر تعلق دارد [Tatarkiewicz, 2005: 252].

آکویناس عنصر سومی را با نام «تمامیت» (*itegritas*) یا «کمال» (*perfectio*) به دو عنصر «تناسب» و «وضوح» اضافه می‌کند و همین نوآوری او، باعث تمایزش با تعاریف افراد دیگر می‌شود، زیرا تعاریف بیان شده قبل از او هم بود. آکویناس این‌گونه بیان می‌کند^{۱۸} [Aquinas, 2006]:

«سه چیز برای زیبایی ضروری است؛ اول، تمامیت یا کمال شی، چیزی که ناقص باشد زشت است؛ دوم، تناسب شایسته یا هماهنگی؛ سوم، وضوح یا روشنی است؛ بنابراین اشیا دارای رنگ درخشان زیبا خوانده می‌شوند».

مفهوم کمال در تعریف زیبایی آکویناس

این بخش را با معنا و مفهوم کمال در آثار آکویناس آغاز می‌کنیم و سپس به مفهوم آن در زیبایی می‌پردازیم. آکویناس در بخشی از آثار خود که مربوط به تقریر کمال تام خدا است، کمال وجودی را زمانی در یک شیء محقق می‌داند که هیچ عیب و کاستی در درون آن نباشد و به همین دلیل، کمال تام را در دیدگاه خود تنها مختص خدا می‌داند* [Aquinas, 1905]. او در برخی موارد، کمال را به عنوان غایت یا مکمل نیز بیان کرده است. می‌توان گفت آکویناس در تفکراتش کمال عمل را لذت می‌داند که عمل را کامل می‌کند* [Aquinas, 1997].

در بین آثار آکویناس، از کمال به شکل‌های متفاوتی استفاده شده است که در معنای عام خود به مفهوم قبل برمی‌گردد. همچنین در برخی موارد، کمال و خیر در مفهوم، برابر هم استفاده می‌شوند، آکویناس معتقد است که انسان‌ها بر اساس ذاتشان به دنبال این دو می‌روند** [Aquinas, 2006]. اگرچه در این مورد، شروطی هم وجود دارد. او بیان می‌کند که برای موجودات همه چیز شامل کمال یا خیر نیست، بلکه زمانی می‌توان گفت چیزی خیر است که کمال مناسب بر آن باشد [Aquinas, 2003: 65]. برای نمونه، زمانی که میوه‌ای می‌بایست ترش باشد، دیگر شیرینی که خود یک کمال است، نمی‌تواند برای آن میوه، کمال به حساب آید، زیرا با آن میوه مغایرت دارد. به واسطه همین دلیل در دیدگاه آکویناس، هر موجودی می‌بایست کمال مخصوص به خود را داشته باشد*** [Aquinas, 1905] و در صورت نداشتن این کمال متناسب، برای آن موجود یا شیء نقص و شر به شمار می‌رود [Aquinas, 2003: 59]. آکویناس مثال دیگری را با آب و آتش بیان می‌کند؛ به این صورت که آیا گرما یک کمال به شمار می‌رود؟ برای رسیدن به جواب این پرسش، باید دید در چه شیء و یا موجودی این گرما بررسی می‌شود. گرما برای آتش، کمال محسوب می‌شود، اما برای آب کمال نیست. حال پرسش دیگری ایجاد می‌شود مبنی بر این که چه دلیلی وجود دارد که گرما برای آتش کمال است ولی برای آب نه؟ در اینجا باید به شرط دیگری برای کمال اشاره کرد. مشخص است که آتش برای داشتن گرما شایسته است، زیرا آتش برای بودنش نیاز به گرما دارد. آتش، بدون گرما «آنچه باید داشته باشد» را ندارد. آکویناس در مبحثی دیگر بیان می‌کند که آیا خدا کامل است یا خیر، و در طرفی دیگر، می‌گوید چیزی که «آنچه باید داشته باشد» را دارا باشد، کمال هم دارد*** [Aquinas, 2006]. آکویناس در بخش‌های مختلفی از کمال خدا به عنوان موجود تام صحبت می‌کند. از نظر او، خدا کامل است و فاقد هیچ کمالی نیست*** [Aquinas, 1905]. خدا این‌گونه است که می‌بایست قبل از ایجاد اشیا دیگر همه کمالات در ذات او باشد و همه چیز را دارا باشد*** [Aquinas, 2006]. زیرا به این صورت است که می‌تواند به موجودات دیگر کمال عطا کند. در اینجا پرسشی دیگر مطرح می‌شود و آن این است که چرا خدا بسیط است؟ آکویناس هم مانند فلاسفه‌ای همچون آگوستین و انسلم (Anselm of Canterbury) بر پایه مفهوم کمال بیان می‌کند که لازمه کمال مطلق، نبود هرگونه نقص و ترکیب و نیاز است و این‌گونه است که کمال تام، مستلزم بساطت تام است. آنان بر پایه مفهوم کمال این جواب را به شکل بی‌سابقه‌ای گسترده کرده‌اند [Stump, 2005: 130].

در زمینه ارتباط زیبایی و کمال، برخی به موضوع اضافه کردن قید «کمال» توسط آکویناس در تعریف زیبایی اشاره کرده و این مفهوم را به عنوان ویژگی زیباشناسی تومیستی مطرح کرده‌اند [Tatarkiewicz, 2005: 253]. آکویناس در جایی از کمال در کنار زیبایی سخن می‌گوید. در این مفهوم، زیبایی و کمال دو ویژگی از جهان مخلوق شمرده می‌شوند*** [Aquinas, 2006] که به‌طور مستقیم به این بحث ربطی ندارد. در این دیدگاه، ملاک زشتی و زیبایی، همان فقدان یا عدم فقدان چیزی که طبیعت یک شیء شایسته آن است، است.

وقتی یک شی را زیبا می‌توان دانست که فاقد آنچه باید داشته باشد، نباشد. به عنوان مثال، می‌توان گفت که انسانی که یک چشم ندارد، زیبا نیست. اگرچه کمال در این تعریف به مفهوم تناسب [Eco, 1988: 99] یا بی عیب بودن چیزی در عمل [Maurer, 1983: 12] هم شرح داده شده است.

پس وقتی می‌توان یک چیز را کامل و با تمام اجزا دانست که در تعبیری به فعلیت رسیده باشد. یعنی کمال، زمانی محقق می‌گردد که صورت بر ماده تسلط داشته باشد و ماده امر بالقوه‌ای نداشته باشد و در این صورت، می‌توان گفت شی زیبا است. پس خدا کامل و زیباست، زیرا فعلیت تام دارد^{xvii} [Aquinas, 1905]. در واقع، زیبا بالفعل و کامل است و زشتی کاستی در صورت است. صورت می‌بایست تناسب، وضوح و کمال به همراه داشته باشد. آکویناس تاکید می‌کند که نبود صورت، فقدان کمال، چون صورت خود کمال است؛ و بیان می‌کند که صورت، کمال و خیر هر سه عناصری هستند که باعث می‌شوند اصطلاح کامل بودن برای یک شی تشدید شود^{xviii} [Aquinas, 2006].

در آخر می‌توان بیان کرد که آثار هنری وقتی که کامل هستند و فاقد عیبی باشند، می‌توان گفت زیبا هستند. فقدان کمال برابر با زشتی است. در دیدگاه آکویناس، دو نوع ماده در هنر وجود دارد. در گروهی که هنر علت انسانی دارد، ماده قبل از ساخت یا تولید، اثر خاصی ندارد، مثل سنگ و چوب برای ساختن یک سازه که قبل از ساختن آن کارایی یا فایده‌ای نداشته‌اند و فقط بعد ساخت موثر هستند. در گونه‌ای که علت طبیعت و انسان با هم در آن دخیل هستند، ماده پیش از تولید نیز موثر است، مانند مواد ساخت دارو که پیش از ترکیب نیز خاصیت درمانی دارند و پس از ساخت دارو نیز خاصیت دارند^{xix} [Aquinas, 1956]. با توجه به این دیدگاه آکویناس، زیبایی و زشتی را در هر دو حالت می‌شود، بررسی کرد. در نوع اول، داشتن کمال یا فقدان آن به هنرمند و صنعتگر برمی‌گردد و در نوع دوم به طبیعت هم بازگشت می‌کند. بر پایه ملاک آکویناس می‌شود هر شی و موجود را با این گستره بررسی کرد.

مقایسه دو دیدگاه

با اینکه این دو فیلسوف بزرگ در رساله‌های خود به مفهوم زیبایی و کمال به‌طور مستقیم نپرداخته‌اند، ولی این دو مفهوم را به اقتضای موضوعات دیگر از لابه‌لای مباحثشان می‌توان استخراج کرد. همان طور که در بخش‌های دیگر این پژوهش به آن پرداخته شد، باید در نظر داشت همان طور که ابن‌سینا تاثیراتی از فلاسفه یونانی دریافت کرده است، آکویناس هم در زمان خود به پیشینه فلسفه اسلامی همانند ابن‌سینا توجه داشته است. در خصوص مقایسه نظرات این دو فیلسوف، می‌توان به نکات زیر اشاره کرد:

۱. اینکه همان طور که اشاره شد هر دو در چگونگی پرداخت به مفهوم زیبایی مانند هم عمل کرده‌اند. به این صورت که این مفهوم زیبایی برای هیچ کدامشان دغدغه و یا اولویت پرداخت به آن نبوده که بخواهند به‌طور مجزا برایش رساله یا کتابی بنویسند. از این‌رو، می‌بایست مفهوم زیبایی را از میان آثار دیگرشان جستجو کرد.

۲. هر دو فیلسوف تعاریفی را در خصوص زیبایی مطرح کرده‌اند؛ به این صورت که، زیبایی از دیدگاه ابن‌سینا را می‌توان به دو گروه زیبایی محسوس و زیبایی غیرمحسوس و یا مجردات تقسیم کرد که شیوه وابستگی زیبایی به آنها متفاوت است. در زیبایی غیرمحسوس یا مجردات، به این دلیل که آنها موجودات بسیطی هستند، پس زیبایی آنها ذاتی است. به همین دلیل، صرف وجودشان بها و جمال دارند. اما در خصوص زیبایی محسوس، می‌توان آن را بر پایه و از بین آن چه خوشایندی در مسموعات موزون است، بیان کرد. از دیدگاه ابن‌سینا، این زیبایی باید سه ویژگی خُسن نظم، خُسن تالیف (ترکیب) و خُسن اعتدال را داشته باشد. اینان عناصری هستند

که موجب لذت و عشق در انسان می‌شوند. آکویناس زیبایی را در سه تعریف بیان می‌کند که محتوای دو تعریف از آن بر پایه «لذت مبتنی بر دیدن» و «لذت مبتنی بر ادراک» است و در آخرین تعریف، شرط‌های سه‌گانه «تناسب، وضوح و کمال» را بیان می‌کند.

۳. هر دو از لذت در زیبایی صحبت می‌کنند، اما با این تفاوت که ابن‌سینا لذت را در زیبایی محسوساتی می‌بیند که سه ویژگی حُسن نظم، حُسن تالیف (ترکیب) و حُسن اعتدال را داشته باشند؛ در صورتی که آکویناس لذت را مبتنی بر دیدن و ادراک کردن می‌بیند.

۴. هر دو به شکل کلی در اصطلاح «کمال» را کامل بودن و نداشتن نقص تعریف می‌کنند. از نظر هر دو، این ذات خداوند است که بالاترین کمال را دارد؛ در حالی که هیچ کمالی ندارد، زیرا تمام کمالات موجودات دیگر را در خودش دارد. تفاوت اصلی در تعریف زیبایی و کمال اول و ثانی دارند که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

۵. ابن‌سینا کمال را در محسوسات و مجردات مطرح می‌کند، اما به نظر می‌رسد اشتراک بین این دو کمال، خود واژه کمال باشد. او کمال اول را به مجردات نسبت می‌دهد و بیان می‌کند که آنان صرف وجودشان کمال دارند. ابن‌سینا این امر را با عبارت «ما یجب له» بیان می‌کند. عبارت فوق اشاره به چیزی می‌کند که برای وجود یک موجود ضرورت دارد. حال اگر این عبارت در بردارنده ضروریات وجودی یک موجود باشد، اشاره به مجردات دارد، زیرا در محسوسات، کمال اول و یا ضروریات وجودی یک موجود باعث زیبایی و یا جمال آنان نمی‌شود. در دیدگاه ابن‌سینا، جمال و یا زیبایی محسوسات به عوارض آنها برمی‌گردد و این امر زمانی صورت می‌گیرد که این سه ویژگی حسن نظم، حسن ترکیب و حسن اعتدال در شیء تحقق پیدا کند. این عناصر از واجبات وجودی اشیا نیستند. این‌ها باعث می‌شوند که یک چیز آن شود که سزاوار او است، اما کمال ثانی جایگاهی در تعریف‌هایی که آکویناس از زیبایی مطرح کرده، ندارد. در دو تعریف اولی که در خصوص زیبایی بیان کرده، چیزی که مهم است، لذت است و این را نمی‌توان علت کمال دانست. شاید بتوان آن را لازمه یا معلول کمال به حساب آورد. اما نمی‌توان برای کمال و به خصوص کمال ثانی در دو تعریف اول آکویناس جایگاهی لحاظ کرد. زیرا هرچند که می‌توان مفهوم کمال اول و کمال ثانی را همان علت لذت دانست، ولی نمی‌توان این لازم و ملزوم را از هر دو سمت ایجاد کرد و حتی اصل لازم و ملزوم بودن کمال و لذت هم می‌تواند مورد بحث قرار گیرد.

۶. باید این را مد نظر قرار داد که آکویناس هم در بین آثارش دو گونه از تقسیم‌بندی کمال اولیه و کمال دوم (ثانویه) را در بحث کمال دارد. اولین تقسیم‌بندی از لحاظ اخلاقی- رفتاری است. آکویناس برای رفتارهای انسانی دو مرحله کمال را بیان می‌کند: اولین کمال به این شکل است که انسان طوری عمل کند که از عذاب و مجازات الهی فاصله داشته باشد و در امان بماند. اخلاقی رفتار کردن کمال دوم است و دیگر این برای امان ماندن از عذاب نیست. به نظر او، کمال دوم اهمیت بیشتری دارد [Aquinas, 2003: 85]. البته این نوع جداسازی همخوانی با کمال اول و ثانی ندارد. برای همین در بحث مرتبت با اتفاقات ایجاد شده در روز هفتم خلقت، او این‌گونه توضیح می‌دهد که موجودات دو گونه کمال دارند: وقتی شیء کامل باشد و ماده هم داشته باشد همان کمال اول می‌شود و نهایت آن، کمال دوم است [Amin Khandaqi, 2019: 44]. به‌عنوان مثال، نواختن چنگ نواز و یا به پایان رسیدن ساخت خانه که می‌توان گفت رسیدن به یک عملکرد است، همان کمال دوم است. وقتی در خصوص جهان هستی صحبت می‌شود، نهایت جهان، کمال دوم به شمار می‌رود که در اصل رسیدن به سعادت است و آن چیزی که به نام هفتمین روز ایجاد شدن توصیف شده، کمال اول است. ابن‌سینا هم این‌گونه بیان کرده است که قوه ناطقه در انسان دارنده این ویژگی‌ها است که با ملاحظه نظم در ترکیبات و

تایید اعتدال در این نظم مؤلف، آن را از لحاظ سازگار بودن با مسیر سعادت خود تایید کند. این امر را می‌توان به کمال اول و ثانی ابن سینا ربط داد.

نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی و مطالعه آثار این دو فیلسوف، می‌توان مشاهده کرد که با وجود نداشتن رساله‌ای در باب زیباشناسی، چقدر در بحث‌های مطرح شده، تعمق داشته‌اند. در هر دو اندیشمند، مفهوم زیبایی را می‌توان از بین متونشان به خوبی استخراج و استدلال کرد و دلایل محکمی برای طبقه‌بندی موجودات بر پایه زیبایی و داوری آن در آثارشان یافت. هر دو به زیبایی محسوس و غیرمحسوس به‌طور همزمان پرداخته‌اند. زیبایی در دیدگاه ابن سینا را می‌توان به دو دسته محسوسات و مجردات تقسیم کرد؛ در صورتی که آکویناس زیبایی را در لذت دیدن و ادراک کردن تعریف می‌کند. ابن سینا کمال اولی را در مجردات مطرح کرده است که به محض وجودشان حاصل می‌شود و کمال ثانی را در محسوسات مطرح می‌کند؛ به این‌گونه که این کمال محسوسات باید سه عنصر زیباشناسی حُسن نظم، حُسن تالیف (ترکیب) و حُسن اعتدال را در خود داشته باشند. آکویناس به جای کمال از لذت، تناسب و وضوح در تعاریفش استفاده می‌کند. تناسب و وضوح را می‌توان نهفته در مفهوم کمال ثانی ابن سینا دانست. آکویناس در بیان زیبایی و تعریف سه‌گانه خود، آنان را با اقلانیم سه‌گانه پدر، پسر و روح القدس پیوند می‌زند، اما ابن سینا به بحث کلامی خاصی در بستر اسلام اشاره‌ای نکرده است. از آن‌جا که ابن سینا به بیان مشخصات اشیا زیبا در تعریف خود پرداخته است، می‌توان گفت زیبایی از دید آن یک امر عینی است؛ این در صورتی است که آکویناس در شرح و مفهوم زیبایی بیان می‌کند که زیبایی بر اساس، لذت ایجاد شده از ادراک به ذهنی بودن زیبایی اشاره دارد. در مجموع، بعد از بررسی‌های انجام شده، می‌توان این‌گونه گفت که زیبایی در دیدگاه هر دو فیلسوف عینی است.

هر دو کمال را کامل بودن و نداشتن نقص تعریف می‌کنند. تفاوت اصلی در تعریف زیبایی و کمال اول و ثانی است. ابن سینا کمال را در محسوسات و مجردات مطرح می‌کند. او کمال اول را به مجردات نسبت می‌دهد. در محسوسات، کمال اول یا ضروریات وجودی یک موجود باعث زیبایی و یا جمال آنان نمی‌شود. جمال یا زیبایی محسوسات به عوارض آنها برمی‌گردد، اما کمال ثانی جایگاهی در تعریف‌هایی که آکویناس از زیبایی مطرح کرده، ندارد.

تشکر و قدردانی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

تاییدیه اخلاقی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

تعارض منافع: موردی برای گزارش وجود ندارد.

سهم نویسندگان: ریحانه آینه‌چی (نویسنده اول)، نگارنده مقاله/پژوهشگر اصلی (۵۰٪)؛ جوادامین خندقی (نویسنده دوم)، نگارنده مقاله/پژوهشگر اصلی (۵۰٪)

منابع مالی: موردی برای گزارش وجود ندارد.

منابع

- Abbasi Hosseinabadi H (2016). Investigation of what perfection is in the definition of self in Ibn Sina's thought. *Islamic Wisdom and Philosophy*. 5(9):21-34. [Persian]
- Abbasi Hosseinabadi H (2019). Comparative study of concept of first and second perfection in Aristotle and Avicenna. *Wisdom and Philosophy*. 15(57):141-164. [Persian]

- Amin Khandaqi J (2019). A comparison of beauty definition in Farabi and Aquinas's views; with emphasis on perfection concept. *Art and Media Studies*. 1(2):29-52. [Persian]
- Amini M (2016). Aesthetic pleasure and its distinction with corporal pleasure from Thomas Aquinas's view. *The Journal of Philosophical Theological Research*. 17(67):121-142. [Persian]
- Anwar E (2003). Ibn Sīnā's philosophical theology of love: A study of the *Risālah fī al-'Ishq*. *Islamic Studies*. 42(2):331-345.
- Aquinas T (1905). *Of God and his creatures*. Rickaby J, translator. London: Burns and Oates.
- Aquinas T (1956). *On the truth of the catholic faith*. Bourke VJ, translator. New York: Image Books.
- Aquinas T (1997). *Summa Contra Gentiles*. Best Writings of Thomas Aquinas. Pegis AC, editor. Indianapolis: Hackett.
- Aquinas T (2003). *On Evil*. Regan R, translator. Davies B, editor. New York: Oxford University Press.
- Aquinas T (2006). *Summa Theologiae*. D'Arcy E, translator. Cambridge: Cambridge University Press.
- Avicenna (1966). *KITAB AL-SHIFA (Poetry)*. Cairo: The Egyptian House of Writing and Translation. [Arabic]
- Avicenna (1979). *A Treatise on Love*. Qom: Bidar. [Arabic]
- Avicenna (1983). *AL-TALIQAT*. Badvi A, editor. Qom: School of Islamic Celebrities. [Arabic]
- Avicenna (1984). *ALMABDA-VA-ALMAAD*. Noorani A, editor. Tehran: University of Tehran. [Arabic]
- Avicenna (1986). *Miraj Nameh*. Mayel Heravi N, editor. Mashhad: Islamic Research Foundation of Astane Qods Razavi. [Persian]
- Avicenna (2007). *AHWAL AL-NAFS*. Ahvani AF, editor. Cairo: Revival of Arabic books. [Arabic]
- Bahrami M (2019). The perfection in the aesthetics of Avicenna and critique of common approaches for this. *Existence and Knowledge*. 6(11):209-231. [Persian]
- Bahrami M (2020a). Analysis of the relationship between the perfection of object perceived and the perception of pleasure in the thought of Ibn Sina. *Ontological Researches*. 9(17):271-295. [Persian]
- Bahrami M (2020b). The concept of beauty according to the Avicenna's thoughts based on the Studies of pleasure. *Avicennian Philosophy Journal*. 24(64):29-46. [Persian]
- Coomaraswamy AK (1938). Mediaeval aesthetic: II. st. Thomas Aquinas on dionysius, and a note on the relation of beauty to truth. *The Art Bulletin*. 20(1):66-77.
- De Haan DD (2020). *Beauty and aesthetic perception in Thomas Aquinas. Beauty and the Good: Recovering the Classical Tradition from Plato to Duns Scotus*. Ramos AM, editor. Washington: Catholic University of America Press.
- Eco U (1988). *The Aesthetics of Thomas Aquinas*. Bredin H, translator. Cambridge: Harvard University Press.
- Eidi F (2019). Comparative study of aspects of beauty semantics and ontology from Avicenna and Mollasadra viewpoint. *Comparative Literature Studies*. 13(51):203-229. [Persian]
- Hashem Nezhad H (2018). *Aesthetics in the Works of Avicenna, Suhrawardi and Mulla Sadra*. Tehran: Samt. [Persian]
- Jafarian M (2022). Avicenna on the principles of aesthetics. *HIKMAT-E-ISLAMI*. 6(22):101-118. [Persian]
- Kovach FJ (1971). The empirical foundations of Thomas Aquinas' philosophy of beauty. *The Southwestern Journal of Philosophy*. 2(3):93-102.
- Maurer AA (1983). *About beauty: A thomistic interpretation*. Houston: Center for Thomistic Studies.
- Melbooyi F (2012). *Love and Beauty from the Point of View of Ibn Sina and Suhrawardi* [dissertation]. Tehran: Alzahra University. [Persian]
- O'Rourke F & Gillespie MP (2022). *Beauty: Joyce's Thomist aesthetics. Joyce, Aristotle, and Aquinas*. Gainesville: University Press of Florida.
- Perl ED (2020). All men by nature desire to know: The classical background of Aquinas on beauty and truth. *Beauty and the Good: Recovering the Classical Tradition from Plato to Duns Scotus*. Ramos MA, editor. Washington: Catholic University of America Press.
- Putnam CC (2018). The mode of existence of Beauty: A Thomistic or a Kantian interpretation?. *Ancients and Moderns*. Ryan JK, editor. Washington: Catholic University of America Press.
- Rabiei H (2011). *Ibn Sina's Philosophy of Art*. Qom: Islamic Sciences and Culture Academy. [Persian]
- Saadat Mostafavi H (2012). *SHARH-E AL-ESHARAT VA AL-TANBIHAT: Third Namat*. Tehran: Imam Sadiq University. [Persian]
- Sammon BT (2013). *The God who is beauty: Beauty as a divine name in Thomas Aquinas and Dionysius the Areopagite*. Cambridge: The Lutterworth Press.

- Shajari M, Fathi H, Gozali Z (2019). Beauty and its relation to goodness in Thomas Aquinas's philosophical system. *Journal of Philosophical Investigations*. 13(27):117-138. [Persian]
- Soltani Sh (2013). Beauty and Imaginary Perception from Ibn Sina's Point of View [dissertation]. Qom: University of Religions and Denominations. [Persian]
- Stump E (2005). Aquinas. New York: Routledge.
- Tabatabai MH (2009). NIHĀYAT AL-HIKMAH. Zarei Sabzevari A, editor. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom. [Arabic]
- Tatarkiewicz W (1980). A history of six ideas: An essay in aesthetics. Warszawa: Polish Scientific Publishers.
- Tatarkiewicz W (2005). History of Aesthetics (Volume 2): Medieval Aesthetics. Barrett C, editor. New York: Continuum.
- Wisnovsky R (2018). Avicenna's Metaphysics in Context. Ithaca: Cornell University Press.

پی‌نوشت

^۱ جلد (Vol)، فصل (اعداد لاتین و حروف کوچک)، بخش (q) و پاراگراف (a) مطابق اطلاعات نسخه چاپی کتاب [Vol. 2, Ia, q. 5, a. 4] است.

^۲ لطفاً مراجعه کنید به [Vol. 19, IaIae, q. 27, a. 1]

^۳ لطفاً مراجعه کنید به [Vol. 10, Ia, q. 67, a. 1]

^۴ لطفاً مراجعه کنید به [Vol. 46, IaIae, q. 180, a. 2]

^۵ لطفاً مراجعه کنید به [Vol. 43, IaIae, q. 145, a. 2]

^۶ لطفاً مراجعه کنید به [Vol. 43, IaIae, q. 145, a. 2]

^۷ لطفاً مراجعه کنید به [Vol. 43, IaIae, q. 142, a. 4]

^۸ لطفاً مراجعه کنید به [Vol. 3, Ia, q. 12, a. 1]

^۹ لطفاً مراجعه کنید به [Vol. 7, Ia, q. 39, a. 8]

^{۱۰} کتاب (Book)، فصل (Chap) و صفحه (p) مطابق اطلاعات نسخه چاپی کتاب [Book I, Chap. 38, p. 55] است.

^{۱۱} لطفاً مراجعه کنید به [Book III, Chap. 26, p. 47]

^{۱۲} لطفاً مراجعه کنید به [Vol. 9, Ia, q. 60, a. 4]

^{۱۳} لطفاً مراجعه کنید به [Book I, Chap. 30, p. 56]

^{۱۴} لطفاً مراجعه کنید به [Vol. 2, Ia, q. 4, a. 1]

^{۱۵} لطفاً مراجعه کنید به [Book I, Chap. 62, p. 63]

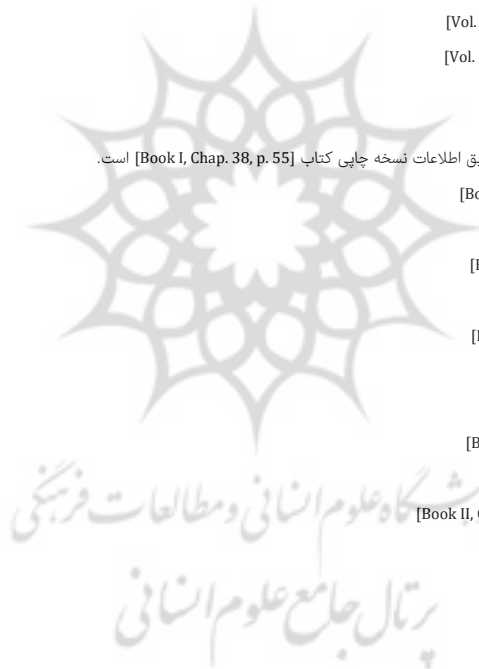
^{۱۶} لطفاً مراجعه کنید به [Vol. 2, Ia, q. 4, a. 2]

^{۱۷} لطفاً مراجعه کنید به [Vol. 5, Ia, q. 19, a. 10]

^{۱۸} لطفاً مراجعه کنید به [Book I, Chap. 38, p. 55]

^{۱۹} لطفاً مراجعه کنید به [Vol. 9, Ia, q. 50, a. 1]

^{۲۰} لطفاً مراجعه کنید به [Book II, Chap. 75, pp. 237-238]



پیشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی